

Study and analysis of effective factors and obstacles in moral education based on the teachings of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balaghah

Abstract :

Training is one of the basic concepts and it means cultivating and directing human thoughts and behavior towards a specific and purposeful pattern and realizing potential talents and silencing some negative reactions. Education has different dimensions, one of the most important of which is moral education, which is one of the most fundamental issues of human societies. Accurate explanation of moral education, identification and study of its effective factors and obstacles is one of the most important issues in the field of education. The present article seeks to investigate the factors and obstacles affecting moral education based on the teachings of Imam Ali (AS) with a descriptive-analytical method and of the library type. Imam Ali's (AS) moral thoughts are based on the tradition of the Prophet (PBUH) and the life-giving school of Islam. Therefore, first, the meaning of moral and political education and then the effective factors and obstacles in moral education based on the words of Imam (AS)) Has been studied. The results indicate: From the perspective of Imam Ali (AS), hereditary factors, environmental factors (including family, friends and community) and individual will are the most important factors affecting moral education. Also, the factors of ignorance, wonder and selfishness, love of the world, passive world and pretending to be religious are among the most important obstacles in moral education.

Keywords: moral education, factors and obstacles of moral education, Imam Ali (AS), Nahj al-Balaghah.

محسن ورمزیار^۱علی حسین احتشامی^۲منصور خوشخویی^۳

چکیده :

تربیت، یکی از مفاهیم بنیادی و به معنای پرورش و سوق اندیشه ها و رفتار انسان به سمت الگوی خاص و هدفمند و بالفعل نمودن استعدادهای بالقوه مشخص و خاموش نمودن برخی واکنش های منفی است. تربیت، ابعاد مختلفی دارد که یکی از مهمترین ابعاد آن، تربیت اخلاقی است که از بنیادی ترین مسایل جوامع بشری است. تبیین دقیق تربیت اخلاقی، شناسایی و بررسی عوامل و موانع مؤثر آن از مهم ترین مسایل حوزه تربیتی است. مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای در صدد است تا به بررسی عوامل و موانع مؤثر در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) بپردازد. اندیشه‌های اخلاقی امام علی (ع) مبتنی بر سنت پیامبر (ص) و مکتب حیات بخش اسلام می‌باشد... لذا در ابتدا، معنای تربیت و تربیت اخلاقی و سیاسی و سپس عوامل و موانع تاثیرگذار در تربیت اخلاقی بر اساس سخنان امام (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی است : از دیدگاه امام علی (ع)، عوامل وراثت، عوامل محیطی (شامل خانواده، دوستان و اجتماع) و اراده فردی از مهمترین عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی است. همچنین عوامل جهل و نادانی، عجب و خودپسندی، حب دنیا، عالم بی عمل و تظاهر به دینداری از مهمترین موانع مؤثر در تربیت اخلاقی به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، عوامل و موانع تربیت اخلاقی، امام علی (ع)، نهج البلاغه

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی الهیات و معارف اسلامی، گرایش علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

mvarmazyar87@gmail.com

^۲ استادیار علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران، (نویسنده مسئول)

a.h.ehteshami87@gmail.com

^۳ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

khoshkhoeei@basu.ac.ir

جامعه معاصر مبتلا به بحران هویت معنویت و اخلاق گردیده است. به همین خاطر نیاز انسان به تزکیه و پرورش، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است. " تربیت اخلاقی " تربیت اخلاقی به عنوان یکی از نمودهای مهم آموزش و تربیت که مقصود اصلی آن رویش اخلاقی انسان‌ها است. به شکلی که آنها را انسانهای نیک بار آورد، و کاری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم یا غیر مستقیم آن را مورد عنایت قرار دهند. نظام تعلیم و تربیت برای استحکام خود به افکار و اندیشه‌های برخاسته از مضمون فرهنگ اصیل و مکتب خود نیاز دارد. و اگر این جستجو از مصادری برجسته مانند کتاب نهج‌البلاغه صورت پذیرد، با عنایت به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ما، پذیرش آن از طرف مخاطبان حتمی خواهد بود. بنابراین، نگارنده تحقیق حاضر را، با هدف بررسی و تحلیل عوامل و موانع موثر در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه انجام داده است. پژوهش حاضر، با بررسی و کند و کاو بر آن است تا با استفاده از نهج‌البلاغه که از منابع دست اول تربیتی دین اسلام است، ابتدا مفهوم تربیت و تربیت اخلاقی را تعریف نموده، سپس موثرترین عوامل و موانع، در تربیت اخلاقی با تحلیل سخنان امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، مباحث مربوطه در این زمینه را مورد مطالعه و تحلیل قرار داده، و در پایان نیز از مباحث نتیجه‌گیری شده است. امید آن‌که مطالعه مقاله پیش-رو گامی برای تقویت تربیت اخلاقی و اسلامی خوانندگان گرامی باشد.

۲- مبانی نظری:

در قلمرو آموزش و تربیت یکی از با اهمیت‌ترین، موثرترین و در عین حال سخت گیرترین جستارها، تربیت اخلاقی است. مسائل اخلاقی در هر زمان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده، ولی در عصر و زمان ما اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا وقتی مشاهده می‌کنیم متأسفانه اغلب مبانی تربیتی ما برگرفته یا ترجمه مکتب‌های غربی و نقش موضع متعالی دین و منابع اصیل اسلامی و دینی در تربیت انسان به‌طور کلی و نیز تربیت اخلاقی دست‌کم گرفته شده و حتی بیشتر صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، آثار خود را براساس یافته‌های علمی و طبقه‌بندی شده نظریه‌پردازان غربی تهیه و تنظیم می‌نمایند، در چنین شرایطی توجه به مسائل تربیت اخلاقی از هر زمانی ضروری‌تر به نظر می‌رسد. بر همین اساس بر آن شدیم تا در پژوهش حاضر موثرترین و اساسی‌ترین عوامل و موانع تربیت اخلاقی را بر اساس آموزه‌های امام (ع) از کتاب نهج‌البلاغه استخراج نماییم.

ضرورت پژوهش حاضر آن است که چون معارف بی‌بدیل نهج‌البلاغه تلطیف شده حقایق قرآنی بوده، لذا شایسته است آموزه‌های علوی در بالاترین سطح به عنوان میزان معارف معنوی و تربیتی جهت ارتقاء سطح تربیت اخلاقی انسان خدامحور قرار گیرد. از آنجایی که مسئله تربیت اخلاقی در سعادت انسان نقشی بسیار اساسی و مهم ایفا می‌نماید، لذا استنباط و تدوین وظایف انسان اخلاقی و شناخت و تقویت عوامل و موانع موثر در تربیت اخلاقی بر سر راه انسان با معنویت و تعیین این عوامل و موانع از کلام امام علی (ع) نقش اساسی در ایجاد معنویت حقیقی برای رسیدن به سعادت و کمال خواهد داشت.

نهج‌البلاغه شبیه ساختار اخلاقی قرآن مجید نسبت به سایر نظام‌های اخلاقی از گستردگی زیادی برخوردار است. زیرا علاوه بر اینکه انسان‌ها را در موارد زیادی به تزکیه نفس سفارش می‌کند و درباره تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی شیوه‌نامه اخلاقی دارد، شیوه‌های تربیت اخلاق فردی و اجتماعی و عوامل و موانع موثر در تربیت اخلاقی را نیز بیان نموده است. مسئله اصلی در این پژوهش بررسی و تحلیل عوامل و موانع

مؤثر در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه است. از دیدگاه امام علی (ع) عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی، وراثت، محیط و اراده فردی است. و اساسی‌ترین موانع در تربیت اخلاقی که نگارنده بر اساس کلام امام علی (ع) به آن پرداخته است، عبارتند از: جهل و نادانی، خودپسندی و حب دنیا و عالم بی-عمل. رویکرد این پژوهش با آنچه در این باره انجام شده تفاوت دارد. قابل توجه این‌که تاکنون صرفاً موانع تربیت دینی به صورت اختصاصی و با نگاه به نکات تربیتی نامه امام (ع) به فرزندش امام حسن (ع) صورت گرفته است، لذا بر اساس آموزه‌های علوی پژوهشی به طور مستقیم انجام نگرفته است، اما نزدیک به این موضوع تحقیقاتی در حوزه اخلاق از دیدگاه نهج البلاغه صورت گرفته است. در نهایت سوال اصلی تحقیق اینگونه بیان می‌گردد: مهمترین عوامل و موانع مؤثر در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه کدام است؟

۳. معنا شناسی واژگان

۳-۱- واژه «تربیت» در لغت

برخی از کتاب‌های لغوی معتبر مانند لسان العرب و تاج العروس بعضی مشتقات واژه «تربیت» مانند «رَبَّب»، «تَرَبَّب»، «رَبَّی» و «تَرَبَّی» را به رغم این‌که از دو ریشه متفاوت «رَبَّب» و «رَبَو» هستند. در کنار هم ذکر کرده‌اند. شکل فعلی واژه «تربیت» از ریشه «رَبَو» است، ولی با این وجود مشتقات تربیت از ریشه «رَبَّ» و «رَبَب» بیش‌تر از ریشه «رَبَو» در قرآن به کار رفته‌اند. هرکدام از این کاربردها ثمراتی دارد که در ذیل به آن پرداخته می‌شود. در «المنجد» تربیت به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است (المنجد، واژه ربو، ج ۱، ص ۴۸۴)

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده (ربو) به معنای زیاد کردن، نمو دادن، وسیله رشد را فراهم نمودن و پاک گردانیدن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ۳۰۵) خلیل بن احمد فراهیدی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست، به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: «رَبَّا الجرح والأرض والمال و کل شیء یَرْبُو رُبَّوًا» هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد. (فراهیدی، العین، ص ۲۸۴) راغب اصفهانی، در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده است. واژه «تربیت» از ریشه «رَبَو» و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود. مانند: تربیه، تزکیه، تحلیه و... (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶)

۳-۲- تربیت در اصطلاح

در تعریف تربیت، باید بین نگاه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تفکیک قایل شویم. این مطلب بدان دلیل است که نگاه دینی به تربیت باعث شده مبانی، روش‌ها، غایات و اهداف تربیت در نزد معتقدین به دین با دیگر گروه‌ها تفاوت‌هایی قابل توجه بوجود بیاورد، که این تفاوت بسیار چشم‌گیر و مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قابل ذکر در این مورد این است که در روش‌های تربیتی در اندیشه غیردینی، غالباً از روش‌های بیرونی استفاده می‌کنند. منظور از روش‌های بیرونی، روش‌هایی است که از بیرون بر تربیت شونده تاثیر می‌گذارند و در این بین به فطرت که ودیعه‌ایست در اندرون انسان توجهی ندارند. به عنوان نمونه آلبرت باندورا (Albert Bandura) معتقد است که یادگیری بر اساس تاثیرات فیزیولوژیک و تجربه است و نقش عامل فطری را در تعلیم و تربیت قبول ندارد. (باندورا، ۱۳۷۲، ص ۱۲)

غزالی در تعریف «تربیت» آورده است: «مربی باید اخلاق بد از وی (آدمی) بستاند و بدور اندازد و اخلاق نیکو به جای آن نهد و معنی تربیت این است؛ همچون برزگر که غله تربیت کند، هر گیاهی که با غله برآمده باشد از میان غله بکند و براندازد و همچون سنگی و کلوخی که در میان کشتزار باشد بیرون اندازد و از بیرون آب و سماد بدان آورد تا غله پرورده و نکو برآید.» (غزالی، ۱۳۵۲، ص ۱۹۷) اهداف تربیت از نظر غزالی چنین است: الف. کودک سعادت دین و دنیا حاصل کند، ب. خشنودی خداوند به دست آورد، ج. نفس اماره را مطیع و اخلاق خود را مهذب نماید. (احدی، بنی جمال، ۱۳۹۹، ص ۷۸)

اما خواجه نصیرالدین طوسی تربیت را پیدایش ملکات در انسان از مسیر عادت می‌داند، در کتاب اخلاق ناصری می‌نویسد: تربیت، صفتی است که باید از طبیعت پیروی کند تا کمال موجود را بتواند ظاهر سازد. طبیعت به منزله استاد است و صناعت به مثابت متعلم و تلمیذ؛ و چون کمال هر چیزی در تشبه او بود به طبیعت و تشبه او به طبیعت چنان باشد که در تقدّم و تأخّر اسباب و وضع هر چیزی به جای خویش و به تدریج و ترتیب نگاه داشتن، به طبیعت اقتدا کند تا کمالی که قدرت الهی را که در طبیعت وجود دارد، به طریق تسخیر متوجه آن گردانیده است، از آن تدبیر حاصل آید و تهذیب اخلاق و اکتساب فضایل، که ما به مدد معرفت آن آمده ایم، امری صناعی است و در آن باب، اقتدا به طبیعت لازم بود. (طوسی، ۱۳۶۰، ۱۴۲)

همچنین، تربیت به مفهوم پروردن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن است. (عمید، ۱۳۶۲، ۳۱۱)

علامه جعفری نیز تربیت را نوعی انتقال می‌داند. اما نه انتقال علم، بلکه انتقال خود فرد، یعنی کودک و نوجوان و حتی شخص میانسال و بزرگسال از حیات طبیعی محض به حیات معقول منتقل شود. (جعفری، ۱۳۶۱، ۵۴)

امیل دورکیم (Emile Durkim) تربیت را با نگاه جامعه‌شناختی خاص خود دریف می‌کند. مقصود از تربیت اجتماعی و چشم اندازش بر اساس وجدان جمعی استوار است. از دیدگاه وی تربیت آن عملی است که به وسیله آن کسی بالغ و رسیده، نسلی را که هنوز برای زندگی پختگی لازم را ندارد، متأثر می‌کند و هدفش برانگیختن و گسترش حالت‌های جمعی عقلی و اخلاقی متربی است. (دورکیم، ۱۳۷۶، ۶۸)

شهید مطهری تربیت را پرورش دادن و به فعلیت رساندن توانایی‌ها و برقراری تعادل و هماهنگی میان آن‌ها می‌داند تا از این طریق انسان به حد متعالی کمال خود برسد. (مطهری، ۱۳۷۱، ۹۰)

۳-۳- تعریف تربیت اخلاقی

برای تربیت اخلاقی تعاریف زیادی ارائه شده است و هر کس آن را با توجه به دیدگاه خودش تعریف می‌کند. خواجه نصیرالدین طوسی تربیت اخلاقی را این‌گونه تعریف کرده است: «تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه طوسی آراستن نفس به فضایل و پیراستن از رذائل است. به عبارت دیگر تربیت اخلاقی به معنای به کارگیری روش‌هایی به منظور پرورش وظایف و نیکی‌ها و برطرف کردن رذایل اخلاقی است» (طوسی، ۱۳۶۹، ۱۵۲)

تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی به عنوان نماینده تفکر اخلاق اسلامی و فضیلت مبتنی است. یکی از دلایل عمده آن این‌که اخلاق خواجه طوسی اخلاق مبتنی بر فضیلت است. (طوسی، ۱۳۶۰، ۹۶)

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی و... به کار می‌رود (الزبیدی، ج ۶، ۸۸۱) در قرآن نیز واژه «خُلُق» به همین معنا به کار رفته است: «وَإِنِّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۶۳)

۳-۴- اخلاق

خَلْق و خُلُق در اصل یکی هستند؛ اما خَلْق به صورت‌هایی اختصاص دارد که با چشم دیده می‌شوند و خُلُق به قوا و خوی‌هایی اختصاص دارد که به چشم باطن درک می‌گردند. (راغب، ۱۴۰۴، ۲۹۷) اخلاق جمع واژه خُلُق، به معنی سنجیه و عادت است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ۸۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ۱۵۸)؛ لذا خُلُق (به ضم و سکون لام) را روش و ملکه و طبیعت و عادت معنا کرده‌اند که کیفیتی نفسانی و مسبب اعمال و افعال آدمی است؛ لذا لغویون، اخلاق را مجموعه‌ای از خصلت‌های روحی و باطنی انسان می‌دانند که سرچشمه‌ی رفتار و کردار اوست.

تمام اعمال و رفتارهای صادره از انسان یا از قبیل کارهایی است که با هدف جذب منفعت انجام می‌شود، مانند خوردن و آشامیدن و پوشیدن یا از قبیل رفتارهایی است که به منظور دفع ضرر انجام می‌شود، مانند دفاع انسان از جان و مال و آبرویش که منشاء صدور آن‌ها قوه قضیه بوده همان‌طور که منشاء صدور گروه اول شهویه است. یا از قبیل افعالی است که برگرفته از تصور و تصدیق فکری است مانند برهان چینش و استدلال ساختن که این‌گونه افعال ناشی از قوه نطقیه فکریه است. (علامه طباطبایی، ۱۳۷۶، ۵۵۹)

۳-۵- تربیت سیاسی :

یکی از ابعاد مهم تربیت، تربیت سیاسی است که اخیراً توجه محققان و متولیان امور سیاسی را بیش از پیش به خود جلب نموده است. تربیت، ابعاد اصلی و فرعی مختلفی دارد و در مقیاس های خانواده، مدرسه، محله زندگی، شهر محل زندگی و کشور و حتی مقیاس های بالاتر، مطرح می شود و متاثر از عوامل زیادی از جمله مقیاس مطروحه است. بعنوان مثال، تربیت فرهنگی، تربیت اجتماعی، تربیت فردی و ابعاد مختلف تربیتی، در شکل گیری و پرورش شخصیت و هویت افراد موثر است. یکی از ابعاد مهم تربیتی، تربیت سیاسی است.

تربیت سیاسی متشکل از دو واژه مهم است. ابتدا واژه تربیت که مفهومی عام و بنیادی است و تعاریف مختلفی از آن در مکاتب مختلف، ارائه شده است. تربیت به معنای پرورش دادن، سوق دادن اعمال و رفتار یک جاندار به سمت اموری خاص و واکنش های قابل پیش بینی در برابر اتفاقات و به فعلیت درآوردن اعمال و افکار بالقوه در مسیری مشخص است. استاد مطهری، تربیت را بالفعل درآمدن استعدادهای بالقوه و پروراندن آن می داند و معتقد است که تربیت تنها مختص جانداران است. (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۸۳)

واژه مهم دوم، سیاسی است که از مشتقات سیاست است. واژه سیاست به معنی حکومت کردن و اداره کردن امور خلق و رعیت توسط گروهی حکمفرماست و در مکاتب و جوامع مختلف، رابطه افراد و گروه ها و احزاب در یک کشور و بین کشورها و دولت هاست. علامه جعفری این تعریف را از سیاست دارد : سیاست به معنای مدیریت و توجیه و منظم نمودن مسیر زندگی اجتماعی افراد در مسیری معقول از حیات است (علامه جعفری، ۱۳۶۹، ص ۴۷).

با توجه به متفاوت بودن تعبیر و تفاسیر از مفاهیم تربیت و سیاسی، طبیعی است تعاریف تربیت سیاسی هم متنوع است و تعریف جامع و واحدی از تربیت سیاسی ارائه نشده است. اندیشمندان در ادیان و جوامع مختلف، تحت تاثیر کشور و مکتب خود، برداشت منحصر به فرد خود را از تربیت سیاسی و کارکردها و آثار آن دارند.

بعنوان مثال الیاستربیت سیاسی را پروراندن فضایل، علم و مهارت های مورد نیاز برای شرکت در امور سیاسی و آماده سازی و پرورش افراد برای شرکت خودخواسته در بهبود کشور و قلمرو خود است و مواردی چون

تربیت رعیت، انتخاب کارگزاران سیاسی، تشکیل همبستگی سیاسی، پایدار نمودن قدرت سیاسی، اجتماعی نمودن مردم برای احزاب و نظام‌های سیاسی، وارد نمودن اشکال به وضعیت فعلی سیاست‌های کنونی و پرورش مردم جهان از مهمترین اهدافی تربیت سیاسی است (الیاس. جان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۰).

در نهایت و با گردآوری کلیه آراء در حوزه تربیت سیاسی، این تعریف را ارائه می‌دهیم: تربیت سیاسی عبارتست از مقدمه سازی برای بدست آوردن علم سیاست و تربیت بینش و توان نقد سیاسی و بالا بردن انگیزه و افزایش قدرت مشارکت و همگرایی مردم در کلیه امور مربوط به کشور بصورت تدریجی و مستمر و ساماندهی شده است. تربیت سیاسی را می‌توانیم در سه بخش اصلی در نظر بگیریم: تربیت در بخش دانش‌ها و بینش‌های سیاسی؛ تربیت در بخش هنجارها و خط‌های سیاسی؛ تربیت در بخش مهارت و واکنش‌های سیاسی و اجتماعی.

۳-۶- روش تحقیق

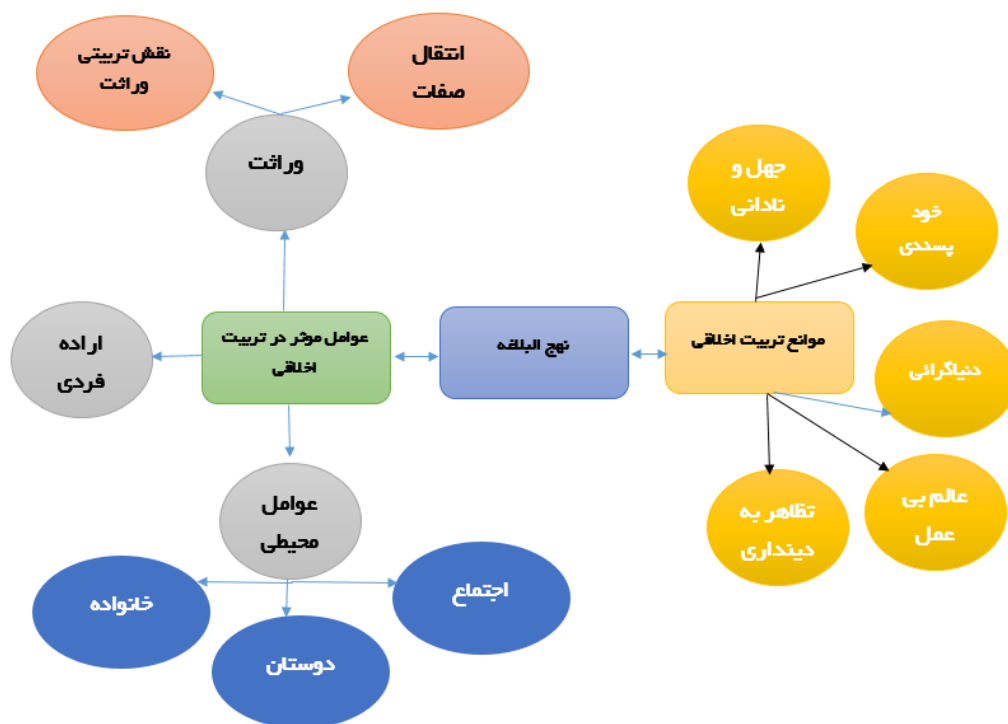
مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای در صدد است تا به بررسی عوامل و موانع موثر در تربیت اخلاقی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) پردازد و آن‌ها را تبیین کند. روش به‌کار رفته در پژوهش حاضر، توصیفی تحلیلی و با شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و بررسی اسناد مربوطه بوده است. همچنین پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و با توجه به این که انتخاب روش تحقیق، به اهداف و ماهیت تحقیق بستگی دارد، از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. مبنای این تحلیل و توصیف، متن نهج‌البلاغه، ترجمه‌ها و تفسیرهای مختلف آن بود.

گردآوری مطالب براساس روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد با فیش‌برداری بوده است. مبنای کار، بررسی متن نهج‌البلاغه بوده که از شروح و تفسیرها و منابع و پژوهش‌های معتبری که در آن‌ها به بررسی عوامل و موانع مورد نظر پرداخته شده است. در این پژوهش برای دستیابی به تربیت اخلاقی در نهج‌البلاغه و استنتاج آن‌ها از روش استنباطی استفاده شده است.

فرضیه تحقیق اینگونه بیان می‌شود: وراثت، رفتار و اراده فردی و عوامل محیطی، از مهمترین عوامل موثر بر تربیت اخلاقی از نگاه نهج‌البلاغه است.

۳-۷- چارچوب مفهومی تحقیق:

در شکل زیر، مدل مفهومی تحقیق، شامل ابعاد اصلی و فرعی موثر بر تربیت اخلاقی و همچنین موانع تربیت اخلاقی از دید امام علی و در نهج‌البلاغه نمایش داده شده است که در این تحقیق، این عوامل تحلیل میشوند:



شکل ۱. چارچوب مفهومی تحقیق

۴. عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی از دیدگاه نهج البلاغه

در سیره تربیتی امام علی (ع) عوامل تربیت اخلاقی به گونه شایسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است و شایسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است و حضرتش مطالب نافع را بیان فرموده‌اند. به‌طور کلی نظر به کلمات امام علی (ع) عوامل مؤثر بر تربیت را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد: وراثت، محیط و اراده فردی. عامل وراثتی از هنگام قبل از تولد مؤثر است، هرچند آثار آن بعد از تولد و رشد او مشخص می‌شود. اما آثار عوامل محیطی بعد از تولد بوده است. با این توضیح نقش اراده فردی نیز در تربیت دینی بسیار حائز اهمیت است. در ادامه به آثار هر کدام از عوامل در نهج البلاغه می‌پردازیم.

۴-۱- وراثت

بر اساس ضرورت از جمله عوامل اصلی و مؤثر در تربیت انسان وراثت است. بدین معنا که ویژگی‌های اجداد فرزندان انتقال می‌یابد. با نگاهی به خطبه‌ها و نامه‌های آن حضرت توجه حضرتش را به موضوع وراثت معین می‌کند. به باور امام (ع) وراثت زمینه‌ای است که صفات و رفتارهای انسان را سامان می‌دهد. امام (ع) شایسته‌ترین افراد را از نگاه خلق منزه‌ترین آن به لحاظ اصالت خاندان می‌داند، و اصالت خانوادگی را موضوعی مهم دانسته و فرموده‌اند: «از ازدواج با همسران احمق پرهیز کنید زیرا که معاشرت با آن‌ها گرفتاری و فرزندان‌شان تباه می‌باشد» (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ۵۶)

امام علی (ع) در نامه ۱۷ با ذکر اهمیت و نقش وراثت در تربیت به این واقعیت اشاره می‌کند که انسان با وجود نقصان در خصوصیات ژنتیکی، با کوشش فکری و اصلاح‌های اخلاقی، به سوی نیکی رشد کند. به همین دلیل امام (ع) فرزند ابوسفیان را به شدت سرزنش می‌کند که چرا در پلیدی راه باطل پدرش را ادامه داده است. البته

اگر خصوصیت ارثی قطعی و غیرقابل تغییر باشد، تلاش‌های تربیتی و اصلاح‌های اخلاقی انسان‌ها و جوامع بشری نتیجه‌ای نخواهد داشت.

امام در نامه‌ای به مالک اشتر معیار انتخاب فرماندهان سپاهش را دارا بودن اصالت تبار می‌داند، که به وظیفه وراثت در تربیت اشاره دارد. «سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب شده، خاندانی پارسا، صاحب سوابق نیکو و عالی که شجاع، سلحشور، بخشنده و بلندنظرند، ارتباط برقرار کن. آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده و ویژگی‌ها را در خود گردآورنده‌اند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

امام علی (ع) در بیانی شیوا نقش وراثت را در بروز رفتار آدمی جدی و مهم تلقی می‌کند، و می‌فرماید: «وقتی اصل و ریشه انسان با شرافت باشد، پیدا و پنهان نیز نیکو و شریف است.» (آمدی، بی‌تا، ج ۲، ۴۰۵)

منظور از وراثت این است که قبلاً زمینه بعضی از صفات، خصوصیات و تفاوت‌های فردی - که در انسان‌ها مشاهده می‌شود - در سلول‌های نطفه والدین فراهم بوده و از این طریق به فرزندان انتقال می‌یابد. همین ویژگی‌های موجود در نطفه است که مسیر رشد و نمو و تشکیل شخصیت آینده کودک را - در داخل رحم مادر و خارج - تعیین می‌کند. به اعتقاد برخی، تحقیق در زمینه نقش عوامل ژنتیکی در تعیین ویژگی‌های شخصیتی، مشکلات خاصی به بار می‌آورد. (پاول هنری و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۱، ۶۰)

از منظر قرآن کریم، عمده عامل تربیت اخلاقی، اراده و اختیار انسان است. در همین زمینه با فرض این‌که بپذیریم که وراثت سبب انتقال حالات و صفات ناپسند والدین به فرزندان می‌شود و زمینه‌های بد اخلاقی و رفتارهای ضد اخلاقی را در فرزندان فراهم می‌آورند و مانع تربیت اخلاقی هستند؛ اما اراده انسان می‌تواند قانون وراثت را خنثی کند. (مظاهری، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۲۷-۲۸)

۴-۱-۱- نقش تربیتی وراثت

پدر و مادر هر دو در تشکیل سلول تخم نقش دارند، ولی پس از تشکیل این سلول، نقش اصلی در رشد و نمو جنین به عهده‌ی مادر می‌باشد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۷) بنابراین می‌توان گفت: گام اول در تربیت فرزند، انتخاب همسری صالح و شایسته می‌باشد؛ زیرا علاوه بر انتقال برخی از ویژگی‌های او به فرزند؛ در فراهم آوردن محیط مناسب برای تربیت فرزند نیز تأثیرات بسزایی دارد. (شرفی، ۱۳۸۱، ۹۶)

۴-۱-۲- نقش وراثت در انتقال صفات

بر اساس علم ژنتیک، نیمی از ویژگی‌های وراثتی از طریق پدر و نیمی دیگر از طریق مادر، به فرزند انتقال می‌یابد. (شرفی، ۱۳۸۱، ص ۹۶) بنابراین منظور از وراثت، انتقال ویژگی‌های پدر و مادر به فرزند در اثر لقاح می‌باشد. (سالاری فر، ۱۳۸۹، ص ۳۹) روزی حلال و شایستگی والدین تأثیر بسزایی در پاکی اصلا ب آن‌ها خواهد داشت، بنابراین فرزندان چنین والدینی نیز صالح خواهند بود؛ در حالی که روزی حرام و بی‌لیاقتی والدین موجب ناپاکی صلب‌های ایشان می‌گردد و این امر زمینه تولد فرزندان ناصالح را فراهم می‌آورد. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۴۶)

۴-۲. عوامل محیطی

مقصود از عوامل محیطی تمامی عواملی است که کودک بعد از تولد از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد و در شکل‌گیری رفتار او موثر است که عبارتند از: خانواده، دوستان و محیط پیرامون. و در روش تربیتی امام (ع) توجه زیادی به آن‌ها شده است.

امام علی (ع) انتقال فرهنگ، نکات اخلاقی و مسائل تربیتی را به نسل جدید امری لازم و ضروری می‌دانند و خطاب به امام حسن (ع) یادآور می‌شوند: «ای فرزندانم! اگرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام اما در کردار آنها نظر افکنده‌ام و ... چیزهای مهم و ارزشمند را برای تو برگزیده و اموری نامعلوم را که موجب سرگردانی تو می‌شود از تو دور کردم. از آنجا که کار تو و آینده‌ات سخت من را به تو متوجه کرده است، توجهی که یک پدر مهربان نسبت به فرزند دارد تصمیم گرفتم که نکته‌های مربوط به آداب و تربیت را به تو یادآور شوم. در حالی که تو ابتدای عمر را سپری می‌کنی و نیتی سالم و نفسی پاک و صاف داری. (همان، ص ۵۲۳)

در روشن شدن نامه امام علی (ع) در مورد توجه به تربیت کودک نکته قابل ملاحظه این است که معلمان و مربیان و همچنین والدین و رسانه‌های جمعی باید در انتقال فرهنگ توجه کافی داشته باشند. به شکلی که هم شئون جدید ارزش‌ها و تمدن فرهنگی را به کودکان انتقال دهند، و هم به ارزش‌سنجی فرهنگ جدید توجه داشته باشند، به‌طوری که این فرایند سرمایه‌تمدنی جدید برای نسل جدید با ارزش‌ها و فرهنگی دینی و اسلامی سازگار باشد و در این زمینه مربیان، معلمان و رسانه‌ها نقش قابل توجهی دارند. خانواده کانون مقدسی است که در پرتو پیوند زناشویی دو انسان پایه‌گذاری شده و با پیدایش فرزند جلوه‌ای نو به خود می‌گیرد. مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرین در عرصه تربیت از نظر وراثت و محیط خانواده است، که مهم‌ترین هدف از تشکیل آن، ایجاد و پرورش نسل جدید و هدایت آن به سوی اهداف عالی تربیتی می‌باشد.

۴-۲-۲- گروه همسالان و دوستان

«دوستی کردن نیمی از خردمندی است». (نهج‌البلاغه / حکمت ۱۴۲) انسان به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد. البته دوستی در دوران نوجوانی از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا در سنین بلوغ شخصیت فرد در حال شکل‌گیری است زمانی که علاقه درونی و قلبی بین دو دوست ایجاد می‌شود آنها از اخلاق و رفتار هم تاثیر می‌پذیرند که این تاثیرات به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد و هرچه زمان دوستی طولانی‌تر شود، میزان این تاثیرات نیز بیشتر می‌شود. در روایاتی از امام علی (ع) به آن اشاره شده که می‌فرماید: «از مصاحبت با مردم فاسد بهره‌یز که طبیعت به طور نا خودآگاه، ناپاکی و بدی را از طبع او می‌دزدد، در حالی که تو از آن بی‌خبری» (شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۲۷۲)

از امام علی (ع) چنین نقل شده: «هر کس پس از خوب آزمون دوستی و برادری گیرد؛ رفاقتش پایدار و دوستی‌اش استوار است.» (آمدی، بی‌تا، ۲۲۴) امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «در دوستی با دوست معتدل باش شاید روزی دشمن تو بشود و در دشمنی با دشمنان هم معتدل باشد شاید روزی دوستت شود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۶۸)

بنابراین انتخاب دوست و برقراری روابط دوستانه با آنها می‌تواند یکی از عوامل مهم تربیتی و ادامه تربیت‌های صحیح به شمار آید. مربیان تربیتی والدین باید به طور مستقیم و غیر مستقیم در انتخاب و فرزندانشان دقت و نظارت کافی را داشته باشند و در زمان مناسب نسبت به فرزندانشان توصیه‌های لازم را در این مسئله ابراز نمایند.

۴-۲-۳- محیط اجتماع

از دیگر عوامل موثر بر تربیت اخلاقی، محیط اجتماع و زندگی انسان است. حضرت علی(ع) درباره اقشار گوناگون جامعه که با هم در ارتباط هستند و بر یکدیگر تاثیرگذارند، به مالک اشتر می‌فرماید: «ای مالک بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

کلام امام (ع) نشان می‌دهد که رفتارها و آماال انسان تحت تاثیر شرایط اجتماعی است که این تاثیرپذیری شخصیت انسان را صورت می‌دهد. بنابراین هر ساختار تربیتی، با مراقبت و نظارت ویژه شرایط می‌تواند در چگونگی تشکیل شخصیت فردی و اجتماعی انسان‌ها تاثیرگذار باشد. اموری نظیر زبان، دین، مذهب و آداب و رسوم نیز که از امور تاثیرگذار بر شخصیت انسان هستند غالبا از جانب محیط بر انسان تحمیل می‌گردند؛ بنابراین می‌توان گفت محیط، تاثیر بسزایی در شکوفایی استعدادهای انسان و شکل‌گیری شخصیت او دارد. (مطهری، ۱۳۷۰، ۳۷) انسان به زندگی جمعی گرایش دارد چون استعدادهای نهفته و بالقوه‌ای دارد که در پرتو زندگی جمعی به فعلیت می‌رسد و نیازهایی دارد که در جمع دست یافتنی است. (مطهری، ۱۳۷۰، ۱۲۲) در بین عوامل مختلف محیطی، خانواده اصیل‌ترین و بادوام‌ترین و پایدارترین عامل در تربیت اخلاقی می‌باشد. کار والدین در خانواده تربیت است، یعنی ایجاد تغییرات مطلوب در فرد. تاثیر خانواده در فرزند و نقش مهم آن در جنبه دینی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، بسیار مهم و عظیم است.

۴-۳- اراده فردی

از جمله عوامل بنیادین در تربیت اراده است، و به خاطر اراده است که انسان مسئولیت اعمالی را که انجام می‌دهد عهده‌دار می‌شود. و اراده است که به انسان حق انتخاب می‌دهد و او را مسئول بار می‌آورد. اگر بپذیریم که در تربیت فرد فقط محیط و وراثت دخیل است، بنابراین وظیفه انسان در تربیت، یک نقش منفعل خواهد بود. انسان قدرت اراده و تغییر سرنوشت دارد، بنابراین نقش اراده فردی را نباید از نظر دور داشت. اراده نقش کلیدی در تربیت انسان دارد. و لازم است که برای تقویت آن تلاش کرد. بنابراین این اراده را می‌شود این‌گونه تعریف کرد: اراده عبارت است از تمایل و گرایشی که در پی آن باور یا گمان بوجود می‌آید. به معنای توانایی انتخاب در کارهاست. (فایضی و آشتیانی ۱۳۷۵، ۱۶۳) امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «پس هر کسی با تلاش خود برای خود، از روزگار زندگانی برای ایام پس از مرگ، از دنیای فناپذیر برای جهان پایدار، و از گذرگاه دنیا برای زندگی جاودانه آخرت، توشه بگیرد.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۷) سرنوشت انسان قبل از هرکس و هرچیز به دست خود انسان است و هرگونه تحول و دگرگونی در سعادت و شقاوت مردمان ابتدا به خود انسان برمی‌گردد. قضای الهی این‌گونه است که آنچه به انسان می‌رسد به انسان نیز رجوع می‌کند و آن نتیجه اراده و رفتار خود اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنها خود حالشان را تغییر دهند. (رعد/۱۱) بر طبق قرآن، سنت خداوندی راهنمایی و هدایت انسان‌ها است؛ اما انتخاب راه درست یا راه باطل و ورود و پیمودن آن بر عهده شخص انسان است.

۵- موانع تربیت اخلاقی

۱-۵- جهل و نادانی مانع بنیادین تربیت اخلاقی

«جهل» در کتاب‌های لغت هم در مقابل علم و هم در مقابل عقل به کار رفته است. عقل واژه عربی است که از نظر مفهوم با «عقال» تناسب دارد و عقال به معنای زانوبند شتر، بندی است که به وسیله آن زانوی شتر سرکش بسته و طغیان‌گری‌اش مهار می‌شود. عقل را به این جهت «عقل» نامیده‌اند که جلوی غرایز و امیال سرکش را می‌گیرد. (بهشتی، ۱۳۸۰، ۴۸) «جهل و نادانی» یکی از مولفه‌هایی است که مانع رشد و تکامل اخلاقی انسان می‌شود و به همین دلیل است که اسلام نسبت به جهل و نادانی هشدارهای زیادی داده است. از جمله خداوند در قرآن دستور می‌دهد: «که از نادان دوری کنید» (اعراف، ۱۹۹) همچنین روایتی از امام رضا (ع) وجود دارد که می‌فرمایند: «دوست هر شخصی برای رسیدن به کمال عقل اوست و دشمن او جهل وی می‌باشد» (تحت العقول، ص ۳۲۶) با عنایت به مفاهیم مطرح‌شده پیرامون عقل که محتوای سخنان امام (ع) و زعمای دینی بوده و به آسانی می‌شود فهمید که در صورت عدم عقل و علم، چه ضربه‌های جدی و جبران ناپذیری در دین و دینداری و مسائل اخلاقی از طرف جهل و نادانی وارد می‌شود.

تربیت عقلانی در این است که عقل انسان به صورت مستقل حاکم باشد و دارای قدرت نقد و انتقاد باشد و بتواند مسائل را تجزیه و تحلیل کند. انسانی که از این موهبت بی‌بهره است هیچ است؛ در واقع، صورتی از انسان دارد ولی معنی انسان در او نیست. (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۳۹) راه حل مرتفع نمودن جهالت انسان‌ها ارائه و تعلیم دانش‌ها و آگاهی‌های دینی و اخلاقی است.

۵-۱-۱- آثار جهل

جدی‌ترین هشدارها درباره عقل، در آموزه‌های دینی آمده که بررسی آن‌ها می‌تواند توجه دقیق اسلام به آگاهی و دانایی را نشان دهد. درباره اثرات اجتماعی جهل و نادانی هم می‌توان زیاد سخن گفت، که برخی از آن‌ها بدترین آسیب‌های اجتماعی را در پی خواهد داشت. منشاء بسیاری از مشکلات اخلاقی مانند روابط نامشروع، اعتیاد، سرقت، قتل و جنایت، جهل و نادانی است، چرا که برخی به دلیل جهل و نادانی فکر می‌کنند در کنار گناه و عصیان و تجاوز به حقوق دیگران می‌توانند به خوشبختی برسند، در حالی که این طور نیست. همچنین از دیگر آثار جهل، سوء رفتارهای خانوادگی است در حالی که خداوند نسبت به خانواده نیز سفارش زیادی فرموده است. خداوند می‌فرماید: «بگو زیانکارترین مردم کسی است که به خود و خانواده خود ضرر بزند» (شوری، ۴۵)

۵-۲- عجب و خودپسندی مانع تکامل انسان

عجب و خودپسندی، آن است که آدمی به سبب عمل، کمال، مال، زیبایی، منصب و مقام و اموری از این دست، خود را بزرگ بشمارد. عجب و خودپسندی مانعی برای رشد فرد و در نهایت مانعی برای تربیت اخلاقی به حساب می‌آید، زیرا انسان کم رشد یافته نمی‌تواند به مراتب بالای تربیت اخلاقی برسد که همان فرهیختگی است. عجب، یعنی بزرگ شمردن عمل صالح و زیاد شمردن آن و مسرور شدن به آن و خود را از حد تقصیر خارج دانستن. (امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۶۱) امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «بپرهیز که خود را در بزرگی، همانند خداوند ببنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند ستمکارها را خارج می‌سازد و هر خودپسندی را بی‌ارزش می‌کند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) انسان خودخواه و خودپسند از راهنمایی‌های دیگران محروم خواهد بود و در تنهایی به سر خواهد برد. امام علی (ع) می‌فرماید: «ترسناک‌ترین تنهایی، خودپسندی است.» (همان، حکمت ۳۸) خودپسندی آفت عقل و خرد است چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «بدان که خود بزرگ‌بینی و غرور مخالف راستی و آفت عقل است» (همان، نامه ۳۱) عجب از اصلی‌ترین عوامل جلوگیری-

کننده سلوک الی‌الله و مانع اصلی حرکت به سمت معرفت و تهذیب نفس و عامل لغزش انسان از درگاه خداوند متعال و نابودی حتمی او خواهد بود. پس فرد باید دقت داشته باشد که معارف و فضیلت‌ها نعمت‌هایی است که خداوند به هر شخصی عطا نمی‌کند.

۵-۳- دنیاگرایی و حبّ دنیا

در نهج‌البلاغه یکی از مهم‌ترین موانع تربیت معنوی دنیاگرایی معرفی شده است. در کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه توجه به دنیا و روکردن به آن، از جمله موانع تربیت اخلاقی برای انسان ذکر گردیده است. امام علی(ع) درباره دنیا فرموده‌اند: «همانا دنیا سرای راستی برای راست‌گویان، و خانه تندرستی برای دنیاشناسان، و خانه بی‌نیازی برای توشه‌گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۱)

امام خمینی(ر) درباره دنیا و آخرت فرموده است، انسان دارای دو دنیاست:

الف. دنیای ممدوح: امام خمینی؛ در کتاب شریف چهل حدیث از قول محدث و محقق بی‌نظیر، علامه مجلسی، نقل کرده که فرمود: «بدان ... که دنیای مذموم مرکب است از اموری که انسان را باز دارد از اطاعت خداوند و دوستی او و تحصیل آخرت؛ دنیا و آخرت با هم متقابلاً، هر چه باعث رضای خدای سبحان و قرب او شود آخرت است، اگرچه به حسب ظاهر از دنیا باشد. مثلاً تجارات و زراعات و صناعاتی که مقصود از آن‌ها معیشت عیال است، برای اطاعت امر خدا و صرف کردن آن‌ها در مصارف خیریه و عادت کردن به محتاجان و ... و این همه از آخرت است. گرچه مردم آن را از دنیا بدانند. بدین معنی دنیا مذمتی ندارد» (امام خمینی، چهل حدیث: ۱۰۲) بنابراین بر اساس این کلام امام خمینی؛ معین می‌گردد دنیای ممدوح، دنیایی است که انسان از آن برای انسانیت، کمال و تقرب به درگاه الهی استفاده می‌نماید.

ب. دنیای مذموم، دنیایی است که تعلق به آن، انسان را از یاد خدا غافل می‌نماید. اگر بخواهیم حبّ دنیا را از دل بیرون کنیم و از خطرهای آن رهایی یابیم باید حقیقت و ماهیت دنیا را به خوبی بشناسیم. آن‌چنان - که امام صادق(ع) می‌فرماید: مثل دنیا مثل آب دریاست؛ هرچه تشنه از آن بیاشامد تشنگی را زیاد کند تا او را بکشد. (کلینی، الکافی، جلد ۲: ۱۳۱). علامه جعفری، در شرح و تفسیر این خطبه چنین بیان کرده است: «توقع رهایی از مختصات زندگی دنیوی همان مقدار نابجاست که کسی توقع داشته باشد در آب بیافتد ولی خیس نشود. (همان) به هر حال امام علی(ع) در نهج‌البلاغه دنیا را به عنوان گذرگاهی می‌داند که اگر فرد به شکلی صحیح از آن استفاده نکند، او را در مسیری رهنمون خواهد کرد که از تربیت اخلاقی و کمال معنوی محروم گردد. خلاصه این‌که با واکاوی آموزه‌های امام علی(ع) معلوم می‌گردد که توجه به دنیا و دنیاگرایی چگونه در رسیدن به مراتب رشد، تعالی و ترقی انسان از نظر اخلاقی مانع ایجاد کرده و باعث غفلت انسان از جایگاه انسانی خود خواهد شد.

۵-۴- عالم بی‌عمل

یکی دیگر از موانع تربیت اخلاقی، عالمان بی‌عمل با رفتارهای سوء هستند. بدون شک تحصیل علم مشکلات فراوانی دارد، ولی این مشکلات هر قدر باشد در برابر برکات حاصل از علم ناچیز است. بیچارگی انسان روزی خواهد بود که زحمت تحصیل علم را بر خود هموار کند، اما چیزی از برکاتش عاید او نشود. رفتار و کردار تمامی کسانی که به عنوان متصدیان دین شناخته می‌شوند در شکل سلول دینی و دینداری مردمان

نقش و آثار مهم و بنیادین دارند، انسان‌هایی مانند علما، مبلغان دینی، مربیان، و هر شخص دیگری که در دیدگاه انسان‌ها به نوعی متولی دین شناخته می‌شود و به همین سبب، عملکرد متولیان دین، به ویژه اندیشمندان دینی در تقویت جایگاه دینی و اخلاقی یا تضعیف آن و ترویج دین یا تغییر آن در میان مردمان بسیار حائز اهمیت است. سفارش امام علی (ع) در این باره، بسیار اساسی و کلیدی است. «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد». (همان، حکمت ۷۳) و نیز امام می‌فرماید: «چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای در آورد و دانش او همراهش باشد اما سودی به حال او نداشته باشد» (همان، حکمت ۱۰۷) در قرآن تشبیهاتی در مورد عالم بی‌عمل وجود دارد. «عالم بی‌عمل همانند الاغی است که بار کتاب حمل می‌کند و کوچک‌ترین بهره‌ای از این حمل بار عایدش نمی‌شود» (کَمَثَلُ الْهَمَارِ يَحْمِلُ أَثْقَارًا) (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۲۸) در نهایت این‌که علم با عمل است که معنا می‌یابد و ارزش و اعتباری به عالم می‌بخشد؛ اما اگر عالم، بی‌عمل بود، هیچ ارزشی ندارد.

۵-۵- تظاهر به دینداری و بهره‌برداری ابزاری از دین

از دیگر موانع تربیت اخلاقی که یک آسیب جدی به حساب آمده و قابل طرح است، استفاده ابزاری از دین و مظاهر دینی است. دعوت تعالیم دین، به یک‌رنگی و صداقت و بندگی خالصانه و صادقانه است و از دورویی و نفاق و تظاهر به تدبیر و تقدس به شدت منع شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لکن از این اندوه‌ناکم که بی‌خردان، و تبه‌کاران این امت، حکومت را به دست آورند، آن‌گاه مال خدا را دست به دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، و با نیکوکاران در جنگ باشند» (نهج البلاغه، نامه ۶۲)

۶- جمع بندی و نتیجه گیری:

پس از تحلیل و بررسی، از پژوهش حاضر نتایج ذیل به دست آمده است.

۱. با توجه به پژوهش صورت گرفته می‌توان گفت در کتاب نهج البلاغه، در مقوله تربیت اخلاقی، عوامل و موانعی قابل استخراج است.
۲. بررسی و تبیین دیدگاه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه پیرامون تربیت اخلاقی و لزوم توجه به عوامل و موانع آن از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه افراد، خانواده‌ها مراکز تربیتی و نهادهای آموزشی و پرورشی قرارگیرد.
۳. با توجه به آموزه‌های امام علی (ع) در خصوص تربیت اخلاقی می‌توان نتیجه گرفت که، بنیادی‌ترین رشد و تکامل فرد و اجتماع تفکر و معرفت است. چراکه تفکر و معرفت باعث خودشناسی در انسان می‌شود.
۴. از آنجائی که انسان دارای اراده و اختیار است، بنابراین امام علی (ع) پیرامون تربیت اخلاقی قبل از هرکس و هر چیز شخص انسان را موثر در تربیت اخلاقی و شکل دادن به شخصیت خود می‌داند. لذا ایشان می‌فرماید: «انسان باید خود مربی خود باشد».

۵. به طور کلی در شکل‌گیری تربیت صحیح اخلاقی در انسان نباید نسبت به نقش محیط تربیتی سالم و کارآمد و به ویژه نقش معلمان و مربیان دلسوز که ناظر تربیت اخلاقی کودکان و نوجوانان هستند بی‌توجه بود.

۶. مربیان تربیتی، رسانه‌های جمعی مانند رادیو، تلویزیون و همچنین محیط اجتماع در این مسیر تاثیر ویژه‌ای دارند.

۷. تربیت اخلاقی دوره تکامل تربیت است که قبل از زمان وراثت آغاز می‌شود و در خانواده ادامه می‌یابد و آنگاه مراکز تربیتی تکمیل می‌شود.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه، ترجمه حسین دشتی.
۳. آمدی، ابوالفتح، (۱۳۷۵ق) غررالحکم و دررالکلم، بی‌تا، دارالکتاب الاسلامی.
۴. ابن مسکویه، ابوعلی (۱۴۲۲ق) تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۰۵ق) لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه.
۶. ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۳۷۵) شرح نهج البلاغه، تهران، نشر نی.
۷. احدی، حسن، بنی جمال، شکوه السادات (۱۳۹۹)، علم نفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روانشناسی جدید، نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. الزییدی، محمد مرتضی (۱۴۱۶ق) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار المکتبه الحیاء.
۹. الیاس، جان، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبد الرضا ضرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵؛ ص ۱۸۰.
۱۰. امام خمینی؛ (۱۳۷۱) چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۶۲) فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر.
۱۲. باندورا، آلبرت، (۱۳۷۲) ترجمه فرهاد ماهر، تهران، نشر راه‌گشا.
۱۳. بهشتی، سعید (۱۳۸۰) آیین خرد پروری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۴. جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۸) ارکان تعلیم و تربیت، چاپ چهارم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۵. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۶۲ش) تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه، ترجمه محمدصادق حسن زاده، تصحیح و چاپ علی اکبر غفاری، قم،
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۸۵ق)، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۷. حسینی همدانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق) انوار درخشان، محقق محمد باقر بهبودی، ج ۲، چاپ اول، تهران، ناشر کتابفروشی لطفی.
۱۸. جعفری محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، قم بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ص ۴۷.
۱۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۲) رهزنان دین، تهران، انتشارات دریا.
۲۰. راغب اصفهانی، (۱۴۰۴ق) مفردات الفاظ القرآن، تهران، مؤسسه اسماعیلیان، دار البحوث العلمیه.
۲۱. زهادت، عبدالمجید، (۱۳۷۸) تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۲. سالاری‌فر، محمدرضا، (۱۳۸۹)، آشنایی با روانشناسی، چاپ ۱۱، مرکز نشر هاجر.
۲۳. شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۱) تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی، چاپ دوم، مؤسسه نشر پنجره.
۲۴. شریعتمداری، علی، (۱۳۸۱) تربیت در نهج البلاغه، یادنامه دومین کنگره نهج البلاغه.
۲۵. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵) مجمع البحرين، تهران، ناشر المکتبه المرتضویه.
۲۶. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۶۰ الف)، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینویی، و علیرضا حیدری، تهران، چاپ خوارزمی
۲۷. طوسی، خواجه نصیر الدین، (۱۳۶۹ ب)، اوصاف الاشراف، تصحیح محمد مدرسی، تهران موسسه مطالعات اسلامی.
۲۸. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلام.
۲۹. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، (۱۳۵۲) احیا علوم الدین، ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی بکوشش حسین خدیو جم، چاپ تهران، دارالکتب العلمیه.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، العین، ج دوم، چاپ ۳۷، قم، هجرت، بی‌تا.
۳۱. فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۲۶)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، جلد ۴، تهران.
۳۲. فیض کاشانی، ملامحسن، (بی‌تا) الحقایق، ترجمه محمد باقر خراسانی، تهران، انتشارات دینی نور.
۳۳. فیض کاشانی، ملامحسن، محجه البیضاء، علی اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی.
۳۴. قرائتی، محسن، (۱۳۷۴) تفسیر نور، ج ۱، نشر موسسه در راه حق، وزارت فرهنگ و ارشاد
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب ابن اسحاق، (۱۴۱۶)، الکافی، قم، دار الحديث.
۳۶. لويس، معلوف، (۱۳۸۰) المنجد، مترجم: محمد بندریگی، چاپ ۳۷، تهران، موسسه انتشارات دار العلم.
۳۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) بیست گفتار، چاپ هفتم، انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) انسان در قرآن، چاپ هفتم، انتشارات صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۰) انسان و ایمان، چاپ هشتم، انتشارات صدرا.
۴۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳.
۴۲. مظاهری، حسین، (۱۳۸۸) تربیت فرزند از نظر اسلام، ج ۱، تهران، بین‌الملل.
۴۳. منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۴) در چشمه سار نهج البلاغه، قم، انتشارات خادم الرضا (ع).
۴۴. هنری ماسن، پاول و همکاران، (۱۳۹۵) رشد و شخصیت کودک، ترجمه: مهشید یاسایی، چاپ ۲۱، نشر مرکز.